

یادداشت‌نویس‌ها

مهدی الیاسی

سقوط شاه در آسمان سرددی ماه

آن صبح سرد زمستانی، هوای تهران سنگین‌تر از همیشه بود. ابرها همچون چتری بزرگ بر فراز شهر گسترده شده بودند، گویی که آسمان هم از روزهای سختی که بر مردم گذشته بود، آگاه بود.

محمدرضا پهلوی، شاه ایران در حالی که هلی کوپتر از زمین بلند می‌شد، برای آخرین بار به خیابان‌های تهران نگاه‌ی انداخت. این نگاه، نگاه پادشاهی بود که دیگر نه تاج بر سر داشت و نه تختی برای نشستن. هلی‌کوپتر به آرامی در میان آسمان به سمت فرودگاه مهرآباد حرکت کرد؛ سفری که قرار بود پایان پادشاهی او و آغاز عصر جدیدی برای ایران باشد. وقتی شاه در برابر دوربین‌ها قرار گرفت و اعلام کرد که «احساس خستگی می‌کنم و به استراحت نیاز دارم»، هیچ‌کس از پشت پرده این سخنان ساده بی‌خبر نبود.

این سفر، یک عقب‌نشینی تاکتیکی نبود بلکه فراری بود از انقلابی که شعله‌هایش هر روز فراوان‌تر می‌شد و پایه‌های حکومت پهلوی را به لرزه درآورده بود. شاه امیدوار به بازگشتی شکوهمند، همچون ۲۸مرداد ۱۳۳۲، تصور می‌کرد که با ترک موقت کشور می‌تواند آتش انقلاب را خاموش کند، اما این بار وضعیت متفاوت بود. خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر ایران پر از مردمی بود که دیگر حاضر به پذیرش دیکتاتوری نبودند. هواپیمای سلطنتی در فرودگاه آماده بود و شاه با گام‌هایی سنگین و خسته از پله‌ها بالا رفت. چشمان او که روزی برقی قدرت و اقتدار را داشت، اکنون پر از اضطراب و خستگی بود. شاید در آن لحظات کوتاه، خاطرات سال‌های گذشته به ذهنش هجوم آورده بود؛ دو سال‌هایی که با جشن‌های پرزرق و برق و سفرهای خارجی همراه بود، اما اکنون با صدای خشمگین مردم و خیابان‌های پر از شعارهای ضدسلطنتی، جایگزین شده بود.

با اعلام خروج شاه از کشور، تهران به یک صحنه جشن بزرگ و باشکوه تبدیل شد. در همین حال، جوانی با روزنامه‌ای در دست، به میان جمعیت آمد و با صدایی بلند فریاد زد: «شاه رفت!» تیتراژ درشت روزنامه، چشم‌ها را به خود خیره می‌کرد. مردم این خبر را با هیجان به یکدیگر نشان می‌دادند و آن را به عنوان سندی از پایان یک دوران در دل‌های‌شان ثبت می‌کردند.

به گزارش کیهان ۴ میلیون زن و مرد و پسر و جوان تهرانی در خیابان‌ها حاضر بودند و با لیخنده‌هایی از سر شوق، در کنار هم به جشن و پایکوبی می‌پرداختند. عده‌ای با صدای بوق‌های ممتد ماشین‌ها، چراغ‌های روشن و حرکت پرپاکن‌ها مادی خود را از ابراز می‌کردند. عده‌ای هم شیرینی و شربت پخش می‌کردند. عده‌ای فریاد می‌زدند که «شاه رفت.»

در این میان برخی از مردم با شاه‌های گل به سربازان نزدیک می‌شدند و آنها را گلباران می‌کردند. بسیاری از سربازان نیز با مردم همراه شده بودند و دیگر با مقابله با آنها خبری نبود.

به گزارش روزنامه اطلاعات، مردم تهران در بسیاری از میادین از جمله در میدان راه‌آهن، توپخانه، ۲۴ اسفند و فلکه اول تهرانپارس همه‌جمله‌ای شاه و پدرش که نماد قدرت و اقتدار آینده بود، به زیر کشیدند. همچنین در میدان مخیرالدوله نیز مردم مجسمه‌های را که به خاطر کودتای ۲۸مرداد نصب شده بود پایین کشیدند. این صحنه‌ها برای بسیاری از مردم نمادی از پایان دوران ظلم و استبداد و آغاز روزهای نو بود.

در میان این شهن سرور، پیرزنی با چادری سیاه در گوشه‌ای ایستاده بود و دست‌هایش را به آسمان بلند کرده بود. او با صدایی لرزان و پر از احساس، زیر لب زمزمه می‌کرد: بخدا یا شکر... بالاخره رفت.» این پیرزن که سال‌ها سختی‌های حکومت پهلوی را به چشم دیده بود، اکنون دل‌خیزی آسوده به آینده نگاه می‌کرد.

اردشیر زاهدی آخرین سفیر شاه در آمریکا با دیدن شادی مردم از فرار شاه می‌گوید: «من همان شب که قلیف این نظاهرات و شادی مردم از رفتن شاه را دیدم، متوجه شدم تاریخ شاهنشاهی ایران به پایان رسیده و شاپو در اختیار هم نخواهد توانست سلطنت را نجات بدهد. متأسفانه از تشری‌ها هم از رفتن شاه اظهار شادی و سربازان مسلح عکس‌های خمینی را به سربیزه‌های خود نصب کرده و شادی می‌کردند.»

محمدرضا پهلوی به همراه همسرش فرح دیبا به مصر رفت؛ جایی که سال‌ها پیش، عشق اوش، قوزیه را ملاقات کرده بود؛ مصری که روزی برای عقدش رفته بود، حالا تبدیل به پناهگاهی امن برایش شده بود و البته ناگفته‌نماند که تقدیر روزگار هم برای او این گونه نوشته شده بود که عقد و نماز میشت هر دو در قاهره خوانده شود اما این بار، حس غریب در دل او سنگینی می‌کرد. او که روزی به عنوان پادشاه مقتدر ایران شناخته می‌شد، اکنون به پناهنده‌ای بدون کشور تبدیل شده بود. در قاهره او به تدریج با واقعیتی تلخ روبه‌رو شد؛ پایان سلطنتش و پایان روزهایش که خود را بر فراز همه چیز می‌دید.

با همه این تفاسیر پرده‌های سلطنت و ظلم و ستمی که شاه در حق مردم انجام داده بود، روزهای تاریکی که در کشور ساخته بود و این موج شادی که بعد از فرار شاه در جامعه ایجاد شد، دلایلی داشت که شاید برای خوانندگان این یادداشت مطرح باشد. اما آن دلایل چه بود؟ پاسخ به این پرسش چندان پیچیده نیست. جامعه مسلمان و دیندار ایران، سال‌ها از قوانین و سیاست‌هایی که به وضوح با اصول اسلام در تضاد بود، رنج می‌برد. این قوانین محصول سیاست‌های اسلام‌زدایی حکومت پهلوی بود که با مخالفت گسترده مردم مواجه شد. افزون بر این، عواملی چون نفوذ و سلطه بیگانگان بر شئون مختلف کشور، بی‌اعتنایی به فرهنگ و هویت ملی ایرانیان، خفقان سیاسی و اجتماعی، فساد و ناکارآمدی سیستماتیک در اداره کشور و اوضاع ناپسامن معیشتی، همگی موجبات نارضایتی و خشم عمیق مردم را فراهم آورده بودند.

این مجموعه عوامل، همگی در نهایت به سیاست‌ها و تصمیمات رژیم پهلوی بازمی‌گشت که در آن دوران در وجود محمدرضا شاه پهلوی تجلی یافته بود. او نه تنها نماد یک حکومت مستبد و فاسد بود بلکه در نگاه مردم، نماینده تمامی مشکلات و رنج‌هایی بود که جامعه با آن دست به گریبان بود. از این رو فرار او از کشور به منزله پایان یک دوره تاریک و نویدبخش آغاز فصلی نو در تاریخ ایران تلقی شد.

اما برای مردم ایران، این پایان یک دورا نبود، آغاز روزهای مردمی بود که سال‌ها برای عدالت و آزادی جنگیده بودند. این، آغاز داستانی بود که هنوز هم ادامه دارد؛ داستان مردمی که باور داشتند سرنوشت‌شان را خودشان می‌توانند بنویسند.

خبر

مجلس ایرادات شورای نگهبان را به‌بودجه رفع کرد

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس از رفع ایرادات شورای نگهبان به بخش اول لایحه بودجه سال آینده خبر داد و گفت: طبق قانون، بخش دوم لایحه بودجه پس از تأیید و ابلاغ بخش اول آن باید به مجلس ارائه شود. عباس گودرزی در گفت‌وگو با ایرنا گفت: کار بررسی و اصلاح ایرادات شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام به مصوبه مجلس درباره بخش اول لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ دیروز به پایان رسید و برای بررسی و اعلام نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود.

وی اظهار کرد: در صورت تأیید مصوبه مجلس درباره بخش اول لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ و ابلاغ آن، دولت طبق قانون ۱۰ روز فرصت دارد بخش دوم لایحه بودجه سال آینده را که شامل جداول است به مجلس ارائه کند.

گزارش

پزشکیان: آموزش و سلامت قابل واگذاری به بازار نیست

اگر ما واقعاً بخواهیم برای مردم کار کنیم و با صداقت از آنها کمک بخواهیم، هیچ گاه بی پاسخ نمی‌مانیم



ریاست جمهوری

روز دوشنبه مرکز همایش‌های سازمان صدا و سیما میزبان آنر می‌سسی و یکمین سالروز تصویب قانون تشکیل شورا‌های آموزش و پرورش بود؛ همایشی که میهمان ویژه آن رئیس‌جمهور نظام آموزشی و سلامت را امیران اسفند اقتصاد قرار داد که عدالت در آنها جاری نیست، از این‌رو از همه متولیان امور خواست ابتدا نگاه و نگرش خود را به وضعیت کنونی تغییر دهند و سپس با بسیج امکانات و بهره‌گیری از همه ابزارها در مقام اصلاح روندها و رویه‌های غلط گذشته بر آیند.

دکتر پزشکیان سپس گریزی هم به سند چشم‌انداز کشور زد و با تأکید بر اینکه «چشم‌انداز کشور را باید با نگاه و نگرش خود را به وضعیت کنونی تغییر دهند و سپس با بسیج امکانات و بهره‌گیری از همه ابزارها در مقام اصلاح روندها و رویه‌های غلط گذشته بر آیند. دکتر پزشکیان سپس گریزی هم به سند چشم‌انداز کشور زد و با تأکید بر اینکه رسیدن به این چشم‌انداز شدنی است، **نیود** اراده و عزم جدی در مسئولان را مانع و مشکل پیش روی این سند عنوان کرد و از همه دستگاه‌ها خواست با اراده و تلاش جمعی، آینده‌ای درخشان رقم یزنیم.

رئیس‌جمهور طی حدود شش ماهی که بر صندلی ریاست جمهوری جلوس کرده است، در تپ در خطابه‌های مختلف از اراده و تلاش اصلاح روندهای معیوب گذشته می‌گوید و اینکه شاایسته ملتی با این پیشینه قوی و منابع مهم مادی و معنوی نیست که در چنین جایگاهی باشد. او بحق می‌گوید که بر خود شاعری با مشکلات راه و چاره کار نیست و به تعبیر ایشان «سعادت نه در خواندن آیات و روایات که در عمل کردن به آنهاست»

اما امتیاز ویژه‌ای که یک رئیس‌جمهور را از دیگر خطباء متمایز می‌کند، نه در اوسنت؛ قدرت و اختیاراتی که به واسطه رای ملت و قانون به او سپرده شده است.

■ ■ ■

دکتر پزشکیان به درستی یگانه راه‌حل مشکلات را «دعوا نکردن» و به پیریز از درگیری‌های فرصت‌سوز سیاسی عنوان می‌کند، اما باید دید، شعار «وفاق» مورد اشاره ایشان در عمل به چه سرنوشتی دچار خواهد شد، بنابراین اگر چه این فرصت کوتاه زمان مناسبی برای ارزیابی عملکرد دولت ایشان نیست، اما آنچه می‌تواند شامن موفقیت او باشد، طراحی سامانه‌ای در دولت است که

دستورات و خواسته‌های او از دستگاه‌های اجرایی را قابل اندازه‌گیری کنی و کیفی کند و در نظارت‌های ستادی مطالبه شود. در آن صورت است که می‌توان امیدوار بود، تغییری حاصل خواهد شد.

■ **حل مشکل در عمل به دستورات امام است**

دکتر مسعود پزشکیان روز دوشنبه در آیین گرامی‌داشت به شعار «شورا‌های آموزش و پرورش بستر ایجاد وفاق ملی تحول مدرسه‌ای» با اشاره به فرارسیدن سالروز میلاد حضرت علی(ع) افزود: بنده از وقتی خودم را باور و اعتقاد را شناختم به دنبال این بودم که بدانم امام و کتاب ما چه می‌گویند و ما نسبت با آنها کجا ایستاده‌ایم، ایا صرف اینکه به امام عشق بورزیم و کتاب را بیوسیم و گرامی بداریم، مشکلی را از ما حل می‌کند یا نه؟ حل مشکل ما در گرو عمل به دستورات امام و کتاب است.

پزشکیان با تأکید بر اینکه این عمل به دستورات گام برداشتن در راه مورد تأکید امام و کتاب است که مایه هیچ وظیفه‌ای ندارد جز اینکه به ما اگر مدعی هستیم راه امام و کتاب راه صحیح و مسیر سعادت است، باید مطابق دستورات آن قدم برداریم. در جامعه مدعی تشیع، مدیران و مسئولان هیچ وظیفه‌ای ندارند جز اینکه به کتاب عمل کنند، نه اینکه صرفاً آیات و روایات را بخوانند، بلکه باید به راه اقامه قسط و اجرای حق و عدالت بپردازند.

■ **حل مشکلات اراده می‌خواهد نه پول**

رئیس‌جمهور ضمن اشاره به اهمیت عدالت در آموزش و پرورش از وضعیت برابربر در نظام آموزشی انتقاد کرد و گفت: وقتی به مدارس و شرایط آموزشی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که بیشتر کسانی که در دانشگاه‌ها قبول می‌شوند، از مدارس خاصی هستند و دانش آموزان بسیاری از مدارس دیگر از این فرصت‌ها محروم می‌مانند. آیا این انصاف است؟ یا می‌توان این وضعیت را پذیرفت؟

پزشکیان با تأکید بر نقش همه نهاده‌ا مسئولان در رفع بی‌عدالتی آموزشی افزود: ما نمی‌توانیم بگوییم شورا داریم، فرماندار، بخشدار، استاندار و امام جمعه در منطقه هستند، اما همچنان مدرسه‌ای وجود ندارد یا اگر هست، کیفیت لازم

پاسخ

سرویس سیاسی، ۹۰۸۵۲۳۰

|| چهارشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۳ || ۱۴ رجب ۱۴۴۶ |

پزشکیان: آموزش و سلامت قابل واگذاری به بازار نیست

اگر ما واقعاً بخواهیم برای مردم کار کنیم و با صداقت از آنها کمک بخواهیم، هیچ گاه بی پاسخ نمی‌مانیم

رئیس‌جمهور با تأکید بر اهمیت تغییر نگرش مدیران خاطرنشان کرد: ما باید باور کنیم که مسئولیم و با اراده و مشارکت مردم می‌توانیم مشکلات را حل کنیم. نیازی نیست همیشه به دنبال اعتبارات کلان باشیم، کافی است نگاهمان را تغییر دهیم و برای مردم و با مردم کار کنیم.

■ **با مردم صادق باشیم، بی پاسخ نمی‌مانیم**

رئیس‌جمهور با تأکید بر اهمیت همراهی مردم در پیشبرد امور گفت: اگر ما واقعاً بخواهیم برای مردم کار کنیم و با صداقت از آنها کمک بخواهیم، هیچ گاه بی پاسخ نمی‌مانیم. مردم ما ثابت کرده‌اند همیشه پای کار هستند و از دین، باور و اعتقاد خود دفاع می‌کنند. همین مردم در دوران جنگ، بدون توقع مالی برای دفاع از اعتقادات‌شان راهی جبهه‌ها می‌شدند. این نشان می‌دهد باور و همراهی آنها قابل انکاست.

پزشکیان با اشاره به محدودیت توان دولت‌ها و قدرت نامحدود ملت‌ها خاطرنشان کرد: توان دولت‌ها محدود است، اما توان ملت‌ها و مردم نامحدود. این‌همان معنای واقعی وحدت و انسجام است. وقتی در نماز جماعت گفته می‌شود اگر هفت نفر باشند، ثواب آن دیگر قابل محاسبه نیست، یعنی قدرت و برکتی که در جماعت، انسجام و هدف مشترک وجود دارد، بی‌کران است.

پزشکیان استانداران و مسئولان را به اقدام عملی برای رفع کمبودها در مناطق مختلف کشور فرخواند؛ تأکید کرد: استانداران محترم و جناب آقای دکتر مؤمنی باید هر هفته جلساتی برگزار کنند. با شوراها، انمه جمعه و جماعات، خیرین و تمام کسانی که می‌توانند کمک کنند، باید دست به دست هم دهند و کمبودهای محله به محله را شناسایی و رفع کنند. ما نیز هر چه در توان داریم، برای این هدف خواهیم گذاشت و از هیچ تلاشی چنین بی‌تفاوتی نمی‌کنیم.

■ **نباید بگذاریم پروژه‌های یک‌ساله ۴۰سال طول بکشند**

رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت تحول در نظام آموزش و پرورش تأکید کرد: نباید اجازه دهیم پروژه‌هایی که گفته می‌شود ۴۰سال طول می‌کشند، حتی یک سال زمان ببرند. هم خیرین عزیز هستند، هم برادران ما در بسیج، هم ستاد اجرایی، بنیادها، شرکت‌ها و معادن با مسئولیت‌های اجتماعی، همه اینها باید برای رفع مشکلات در فضا، تجهیزات، روش‌ها و اقامات ضروری دست به دست هم دهند. هیچ کاری نیست که با اراده جمعی و انصاف در تربیت و عدالت در آموزش نتوانیم انجام دهیم.

وی وضعیت کنونی آموزش و پرورش را نامطلوب دانست و تصریح کرد: این وضعیت، برازنده ما مسلمانان، ما شیعه‌ها و ما ایرانی‌ها نیست. باید آموزش و پرورش را در جایگاهی قرار دهیم که شایسته عزت و مقام ایرانی باشد. «علی‌حضرت هزار ساله باشد، کشوری با چنین قدمتی باید الگویی در عرصه تعلیم و تربیت باشد. زندگی به سرعت می‌گذرد و فردای قیامت هر یک ما باید پاسخگوی وضعیت کنونی آموزش و پرورش باشیم.

رئیس‌جمهور در پایان سخنان خود با تأکید بر اهمیت نگاه به آینده گفت: ما می‌توانیم این مسیر را برویم و راهی نیست که در آن متوقف شویم. با اراده و تلاش جمعی، می‌توانیم آینده‌ای درخشان برای نسل‌های بعدی رقم بزنیم.

۲۰نماینده به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نامه نوشتند

مخاطرات پذیرش پالر مو و CFT برای ملت

قانون دانست و گفت: مجلس نقش خود را در ابراه FATF انجام داده و طبق قانون نمایندگان مجلس دیگر هیچ وظیفه‌ای در این زمینه ندارد.

قابلییاف در پاسخ به تذکر نقدعلی تصریح کرد: درباره FATF مجلس وظیفه خود را انجام داده و بر مصوبه خود اصرار کرده است. این مصوبه طبق قانون به مجمع تشخیص مصلحت را جاع شده است، مجمع نیز به مدت یک سال فرصت داشته تا رسیدگی کند و کار خود را انجام دهد اما دوره زمانی آن گذشته و از دستور رسیدگی خارج شده است. دولت نیز از رهبری در خواست کرده است با توجه به اینکه رسیدگی مجدد به موضوع FATF خلاف آیین نامه مجمع بوده است، اجازه رسیدگی مجدد بدهند تا مجمع رسیدگی کند. ■ ■ ■

محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲۳دی ماه از آغاز بررسی لوایح پالر مو و CFT در کمیسیون‌های این مجمع خبر داد. گزارش کارشناسی دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره لوایح CFT و پالر مو پس از نهایی‌شدن برای جمع‌بندی و اظهار نظر در اختیار کمیسیون مشترک مجمع تشخیص مصلحت که متشکل از اعضای منتخب مجمع است، قرار می‌گیرد.

خبر

پزشکیان با تبریک ریاست جمهوری مادورو:

دخالت خارجی در ونزوئلا محکوم به شکست است

رئیس‌جمهور در پیامی ضمن انتخاب نیکولاس مادورو به ریاست‌جمهوری کشور ونزوئلا نوشت: بر این باوریم که هرگونه دخالت خارجی و تلاش برای تهدید و تحریم ونزوئلا ظالمانه و محکوم به شکست است.

به گزارش فارس، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور با انتشار مطلبی در حساب کاربری خود در فضای مجازی نوشت: سومین دوره ریاست‌جمهوری آقای نیکولاس مادورو را تبریک می‌گویم و برای ایشان آرزوی موفقیت دارم. جمهوری اسلامی ایران از دولت قانونی ونزوئلا حمایت می‌کند و برای تقویت روابط فیمابین آماده است. بر این باوریم که هرگونه دخالت خارجی و تلاش برای تهدید و تحریم ونزوئلا ظالمانه و محکوم به شکست است. نیکلاس مادورو برای سومین دوره شش ساله به عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا سوگند یاد کرد. مادورو پس از ادای سوگند طی سخنانی گفت: بایدبد باهم راهی برای صلح بر اساس تاریخ خود بسازیم تا حاکمیت ملی را تضمین کنیم، من از سوی ایالات متحده یا هیچ کشور دیگر امریکای لاتین منصوب نشده‌ام، بلکه با اراده مردم منصوب شده‌ام. من رئیس‌جمهور مطلق نیستم و خدمتگزار قدرت‌ها، الیگارشی یا امپریالیسم نیستم. امپریالیسم و الیگارشی در حال فروپاشی هستند و ما به دنیا ندیده‌ایم که خائن و ضعیف باشیم. ونزوئلا در برابر توپنه امریکا از خود دفاع کرد و ما در این رویارویی پیروز شدیم. ما می‌خواهیم در آرامش زندگی کنیم و هیچ‌یک از این مشکلات را نمی‌خواهیم.

رئیس‌جمهور ونزوئلا خاطرنشان کرد: ونزوئلا نمی‌تواند تسلیم دیپلماسی گمراه‌کننده باشد و ما کشوری هستیم که خواهان صلح هستیم.

یادداشت‌نویس‌ها

علیرضا قاسم‌زاده

سرنوشت حکومتی که مردم را ندید

وقتی تاریخ انقلاب‌ها را از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه تا انقلاب اسلامی تورق می‌کنیم و به واژه «انقلاب» می‌رسیم، خواسته یا ناخواسته ذهن انسان به سمت نقش و حضور مردم سوق پیدا می‌کند؛ زیرا این مردم هستند که مهم‌ترین نقش را در آغاز و به سرانجام رساندن انقلاب ایفا می‌کنند. در انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از مهم‌ترین ارکان انقلاب «مردم» بودند؛ رکنی که رژیم پهلوی اهمیتی برای آن قائل نبود.

حکومت پهلوی از ابتدای کار یعنی کودتای ۱۲۹۹ و برآمدن رضاخان تا سرنگونی محمدرضا شاه ۱۳۵۷ حکومتی استعماری شمرده می‌شد و اساس این حکومت‌ها به جای بار آورده کردن منافع ملی، برآورده کردن منافع کشور استعمار گراست. این رویه در زمان پهلوی دوم مخصوصاً پس از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ و باز شدن پای امریکا در سیاست‌های ایران بیشتر شد. در ادامه پس از برگزاری رفراندوم انقلاب سفید در ششم بهمن ۱۳۴۱ و سرکرد بودن مردم و روحانیون در مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲، مردم به‌ویژه روحانیون احساس کردند استقلال و عزت ایران در معرض تهدید قرار گرفته است، از این رو اعتراضات مردم بیش از پیش شدت گرفت. زمانی که اعتراضات به فعالیت‌های ضدمنافع ملی گسترده شد، روحانیون به‌خصوص امام خمینی(ره) با حمایت مردم دست به اعتراض بلند کردند اما حکومت با دستگیری امام خمینی(ره) و سرکوب و کشتار مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ پاسخ داد. یکی دیگر از دلایل اعتراضات مردم در حکومت را باید در بی توجهی شخص شاهنشاه نسبت به مشکلات و مضضات مردم و روحانیون دانست. شاه فقر و عقب‌ماندگی مفرط مردم و کشور در دوره پهلوی، محمدرضا شاه بدون هیچ نگرانی و دغدغه‌ای در مورد وضعیت زندگی مردم، به سفرهای تفریحی خارج از کشور می‌رفت.

اسدالله علی، روز خاطرات ۲۰ شهریور ۱۳۳۸ می‌نویسد: «روز بعدازظهر که به حضور شاه رفتم، وسط کار ماساژ و حمام بودند، دو ساعتی باهم صحبت کردیم. عرض کردم به نظر من ایشان هم در ورزش و هم در فعالیت‌های شبانه [۱]افراط می‌کنند. به تذکر خنیدید. بار دیگر پرسیدندا کردم در حد کافی خارج از ملکت بوده‌ایم و اکنون بهتر است بر گردیم. مثل اینکه دنیا را بر سرش خراب کرده باشد اما وظیفه من ایجاب می‌کند که با اطلاع برسانم که پادشاه این نمی‌تواند ۲۵روز را خارج از وطنش و صرفاً بابت استراحت و سرگرمی بگذرانند. مردم این چیزها را تحمل نمی‌کنند.» علاوه بر بی توجهی به خواسته‌های مردم، شاه نسبت به ایرانیان رویکردی رعیت گونه داشت. اسدالله علم، وزیر دربار در تاریخ ۲۲شهریور ۱۳۵۲ نوشته است: «علی‌حضرت فرمود: گاهی می‌بینم مردم ایران خیلی پیغیز و ضعیف‌الفنس و غرغرو هستند» یا علی شجاعی صائین در کتاب «ماشمارا آدم کردیم» نوشته است: «علی‌حضرت درباره مردم فرمودند: این مردم قادر به انجام هیچ چیز نیستند، مثل گوسفندان می‌مانند.»

این نگاه به میثت مردم و جامعه، رژیم را در مقابل اعتراضات داخلی دچار نشانهایی سیاسی کرده بود. مثلاًدر ماجرای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به جای اینکه صدای مردم شنیده شود، صدای ابراهام دبراب به این نتیجه رسیدند که مردم به تحریکات افرادی مانند جمال عبدالناصر، تیمور بختیار و حزب توده دست به اعتراضات زدند و معترضان درازای در یافت ۲۵مایل پول، خود را جلوی گلوله قرار دادند. مواردی دیگر از نشانهایی سیاسی پهلوی را می‌توان در موضوعاتی مانند اصلاحات ارضی، انقلاب سفید، کاپیتولاسیون، جشن‌های هنر شیراز و جشن‌های ۲هزار و ۵۰۰ساله بیان کرد. برای نمونه در ماجرای کاپیتولاسیون و اقلاماتی که مستشاران و حتی مردم امریکالیه عزت مردم ایران انجام دادند، از تجاوز به دختران گرفته تا حق کنسول قضایی، یک سگ امریکایی ارچتر و باعزت‌تر از یک شهروند ایرانی به‌شمار می‌رفت یا مثلاً برگزاری جشن‌های ۲هزار و ۵۰۰ساله و جشن‌های هنر شیراز و صرف هزینه‌های هنگفت و همچنین پیامدهای فرهنگی و اجتماعی نامناسب آنها در صورتی که مردم با افزایش تورم، نبود کالاهای اساسی، نبود مسکن مناسب و گسترش حلیی آباد در پیرامون شهرها دست و پنجه نرم می‌کردند، نشانه‌ای دیگر از نادیده گرفتن مردم در شیوه حکومت‌داری پهلوی است.

اوج ناشنوایی سیاسی رژیم پهلوی به یک سال آخر حکومت محمدرضا پهلوی برمی‌گردد؛ ۱۵دی ۱۳۵۶ که مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید و سپس قیام‌های مردمی که از ۱۹دی همان سال قم آغاز شد و در ادامه مراسم‌های چلم در سایر شهرها شدت یافت. این مراسم چلم در تاریخ ۲۹ بهمن از تبریز آغاز شد و در شهرهای دیگر مانند تهران، اصفهان، آبادان، آبادیه، قزوین، کاشان، بابل و یزد نیز آن ادامه دادند اما اوج تظاهرات و برخورد خشن حکومت علیه مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بود که کشتار گسترده مردم از سوی رژیم پهلوی آغاز و سرت‌بخش انقلاب شد. ۱۵ آبان همان سال، یعنی دو روز پس از کشتار دانشجویان و دانش آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷، شاه در پیامی در تلویزیون گفت: «صدای انقلاب شنیدیم.»

در همین راستا محمدرضا نیز هر اقدامی انجام داد تا از انقلاب جلوگیری کند، از سر کار آوردن دولت نظامی گرفته تا دولت جعلی، می، از سرکوب نظامی مردم تا دستگیری برخی رجال بنام دزد مردم مانند هویدا و نصیری، حتی در ماهیهای آخر سالوا که منحل شد اما دیگر دیر شده بود.

این اتفاقات درست زمانی رخ داد که مردم به این نتیجه رسیده بودند که رژیم پهلوی اصلاح‌پذیر نیست و تمامی اقدامات آنها در این راستا برای حفظ ظاهر است. تاریخ انقلاب‌های جهان نشان می‌دهد پایان حاکمانی مطلق و مطلقه‌های‌شان را می‌توان مشاهده کرد؛ چیزی جز سرنگونی از سوی مردم خود نخواهد بود؛ همان اتفاقی که برای پهلوی هم رخ داد و محمدرضا شاه پس از سعی و تلاش بی‌فایده برای بقای حکومت خویش، سرانجام در ۲۶دی ۱۳۵۷ برای همیشه از ایران فرار کرد.